

## تعلیقاتی بر نزهة المجالس

سید علی میرافضلی

| ۳۷۷-۴۰۵ |

**چکیده:** نزهة المجالس جمال خلیل شروانی، یکی از منابع مهم تاریخ رباعی فارسی و دربردارنده ۴۱۳۹ رباعی از ۳۰۰ شاعر از قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم هجری است. تنها نسخه کتاب به خط اسماعیل بن اسفندیار ابهری در ۷۳۱ ق کتابت شده است. این دستنویس به شماره ۱۶۶۷ جزء مجموعه علی امیری جاراالله در استانبول نگه‌داری می‌شود. دکتر محمدامین ریاحی کتاب را بر اساس دستنویس مذکور، تصحیح و در سال ۱۳۶۶ منتشر کرد. تصحیح نزهة المجالس، یکی از بزرگ‌ترین کارهای علمی آن محقق یگانه بود. مقدمه، نمایه‌های کتاب، تعلیقات و توضیحات رباعیات بسیار سودمند و پرمایه است. متأسفانه تک نسخه نزهة المجالس ایرادهایی دارد که خواه ناخواه به متن چاپی هم انتقال یافته است. با پیدا شدن دو دستنویس با اهمیت که در پیوند با نزهة المجالس شکل گرفته‌اند، گشایشی در نقد و بررسی و تصحیح مجدد نزهة المجالس پدید آمده است: یکی خلاصة الأشعار فی الرباعیات ابوالمجد تبریزی که در ۷۲۱ قمری تدوین و کتابت شده، دیگری سفینه رباعیات کتابخانه دانشگاه استانبول که نسخه‌ای ناقص از نزهة المجالس محسوب می‌شود. این دو منبع، در برطرف کردن اغلاط کتابتی و بسامان آوردن عناوین شاعران نزهة المجالس، منبعی کارگشاست. در مقاله حاضر، پیشنهادهایی برای تصحیح نزهة المجالس بر اساس دو منبع مذکور و قراین و شواهد دیگر ارائه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** نزهة المجالس، سفینه رباعیات، خلاصة الأشعار فی الرباعیات، محمدامین ریاحی

Comments on Nuzhat al-Majālis  
Seyed Ali Mir Afzali

**Abstract:** *Nuzhat al-Majālis* by Jamāl Khalīl Shirvānī is one of the important sources of Persian quatrain history, containing 4139 quatrains by 300 poets from the fifth century to the early seventh century AH. The only manuscript of the book, written by Ismāil ibn Esfandiār Abhari in 731 AH, is preserved under the number 1667 in Ali Amiri Jarollah's collection in Istanbul. Dr. Mohammad Amin Riyahi edited the book based on this manuscript and published it in 1366 AH. Editing *Nuzhat al-Majālis* was one of the unique scholarly achievements of this great researcher. The introduction, indexes of the book, comments, and explanations of the quatrains are very useful and comprehensive. Unfortunately, the single manuscript of *Nuzhat al-Majālis* has some flaws, which have been transmitted to the printed text whether intentionally or unintentionally. With the discovery of two important manuscripts related to *Nuzhat al-Majālis*, a new opportunity for criticism, examination, and re-editing of *Nuzhat al-Majālis* has emerged: the first is *Khulāṣa al-Ash'ār fi al-Rubā'iyāt* by Abu al-Majid Tabrizī, compiled and written in 721 AH, and the second is *Safīneh Rubā'iyāt* (the collection of quatrains) of the Istanbul University Library, considered an incomplete version of *Nuzhat al-Majālis*. These two sources are instrumental in correcting scribal errors and reconciling the titles of poets in *Nuzhat al-Majālis*. In this article, suggestions for correcting *Nuzhat al-Majālis* based on these two sources and other evidence and clues are presented.

**Keywords:** *Nuzhat al-Majālis*, Collection of Quatrains, *Khulāṣa al-Ash'ār fi al-Rubā'iyāt*, Mohammad Amin Riyahi.

۳۷۷

آینه پژوهش | ۲۰۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

نزهة المجالس یکی از منابع مهم تاریخ رباعی فارسی است. این اثر در بردارندهٔ ۴۱۳۹ رباعی از ۳۰۰ شاعر سراسر اقلیم پهناور زبان فارسی از قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم هجری است و آن را ادیب گمنامی به نام جمال خلیل شروانی در اواسط قرن هفتم هجری در هفده باب گرد آورده و به مجلس خاص علاءالدین فربرز شروانشاه تقدیم کرده است. نسخهٔ اصلی کتاب از بین رفته، اما رونوشتی از آن به قلم اسماعیل بن اسفندیار ابهری در ۲۵ شوال ۷۳۱ ق به جای مانده است. این دستنویس به شمارهٔ ۱۶۶۷ جزو مجموعهٔ علی امیری جاراالله در کتابخانهٔ سلیمانیهٔ استانبول نگه داری می شود.

زنده یاد دکتر محمد امین ریاحی که در سال ۱۳۴۳ شمسی به رهنمونی هلموت ریتر محقق آلمانی در ترکیه با دستنویس نزهة المجالس آشنایی یافته بود، کتاب را بر اساس دستنویس مذکور، تصحیح و در سال ۱۳۶۶ منتشر کرد.<sup>۱</sup> تصحیح نزهة المجالس، یکی از بزرگ‌ترین کارهای علمی آن محقق یگانه بود. مقدمه، نمایه‌های کتاب، تعلیقات و توضیحات رباعیات بسیار سودمند و پرمایه است. از سال ۱۳۶۷ نزهة المجالس به یکی از کتاب‌های مورد علاقهٔ من تبدیل شد و روزی نیست که به آن مراجعه نکرده و نوشته‌ای در موضوع رباعی نیست که بدان ارجاع نداده باشم. در سال ۱۳۷۶ مقالهٔ مفصلی در بررسی نزهة المجالس نگاشتم که در دو شمارهٔ مجلهٔ معارف منتشر شد. متأسفانه تک نسخهٔ نزهة المجالس ایرادهایی دارد که خواه ناخواه به متن چاپی هم انتقال یافته است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، جابه‌جایی عناوین شاعران است. خود مرحوم ریاحی در مقدمهٔ کتاب به این نکته اشارتی داشته است: «مهم‌ترین ایراد وارد بر کاتب این است که ابتدا رباعی‌ها را نوشته و نام شاعران را بعداً بالای هر رباعی در میان سطرها افزوده، و احتمالاً گاهی نام شاعر را یک سطر بالاتر یا پایین‌تر نوشته است».<sup>۲</sup> متأسفانه این ایرادی نیست که بشود از

۱. چاپ دوم کتاب در سال ۱۳۷۵ با اصلاحاتی در مقدمه (سرگذشت شاعران) و متن رباعیات منتشر شد. ارجاعات ما به چاپ اول کتاب است، ولی عنداللزوم چاپ دوم را نیز مد نظر قرار داده‌ایم.  
۲. نزهة المجالس، مقدمه، ۵۰.

کنار آن راحت گذشت. بنده در مقاله مورد خود و برخی نوشته‌های دیگر به مصادیق ایراد مذکور پرداخته‌ام.<sup>۱</sup>

با پیدا شدن دو دستنویس با اهمیت که در پیوند با نزهة المجالس شکل گرفته‌اند، گشایشی در نقد و بررسی و تصحیح مجدد نزهة المجالس پدید آمده است. نخست باید از رباعی‌نامه خلاصة الاشعار فی الرباعیات یاد کرد که به اهتمام ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی در ۷۲۱ هجری قمری در پنجاه باب تدوین و کتابت شده است. یکی از منابع اصلی ابوالمجد تبریزی در تدوین این رباعی‌نامه، نزهة المجالس شروانی بوده است، هم در تبویب کتاب و هم انتخاب رباعیات؛ به طوری که همه ابواب خلاصة الاشعار بر اساس نزهة المجالس شروانی است و ۲۸۳ رباعی از ۵۰۰ رباعی کتاب برگرفته از اثر مذکور. از مقایسه این دو رباعی‌نامه دانسته می‌شود که ابوالمجد تبریزی، به نسخه‌ای متفاوت از نسخه فعلی نزهة المجالس دسترسی داشته است. ضمن اینکه دستنویس او ده سال بر دستنویس نزهة المجالس مقدم است. «روایت خلاصة الاشعار از رباعیات مشترک با نزهة المجالس، جایگاهی بی‌بدیل در تصحیح ضبط‌های نسخه منحصر به فرد نزهة المجالس دارد؛ از تصحیح متن رباعیات گرفته تا تصحیح ترتیب رباعیات و عناوین ابواب و شاید مهم‌تر از همه، تصحیح و تشخیص سراینندگان رباعی‌ها».<sup>۲</sup> خلاصة الاشعار فی الرباعیات با تصحیح و تحقیق سید محمد عمادی حائری در سال ۱۴۰۱ شمسی منتشر شد.

دستنویس مهم دیگر، سفینه رباعیات کتابخانه دانشگاه استانبول (به شماره FY.1203) است که نسخه‌ای ناقص از نزهة المجالس محسوب می‌شود. اوراق دستنویس به هم ریخته و در وضعیت فعلی فقط نیمی از رباعیات نزهة المجالس را در بر دارد. کسی که این رباعی‌نامه را تدوین مجدد کرده، رباعیات دیگری به اصل

۱. رک. «بررسی نزهة المجالس»، بخش نخست، ۱۰۷-۱۱۷؛ جُنُگ رباعی، ۵۳ (ستون دوم)، ۱۵۱ (ستون دوم)، ۳۰۳ (ستون اول)، ۳۰۴ (ستون اول و دوم)

۲. خلاصة الاشعار فی الرباعیات، مقدمه مصحح، بیست و یک

کتاب افزوده و از جهاتی، به تکمیل کار شروانی پرداخته است. رباعیات اضافه سفینه رباعیات، اغلب مربوط به شاعران نیمه دوم قرن هفتم تا اواخر قرن هشتم هجری است، اما از شاعران قدیم هم رباعیاتی در بین آنها یافت می‌شود. حدس می‌زنم که تعدادی از آنها، مربوط به اصل نسخه نزهة المجالس بوده و از چشم و کِلک اسماعیل بن اسفندیار ابهری افتاده است.

بیشترین رباعی افزوده سفینه رباعیات، سروده خواجه نصیرالدین طوسی، فقیه نجاشی<sup>۱</sup>، مجدالدین همگر و شرف‌الدین رامی تبریزی (ابن رامی) است. از آنجا که اغلب رباعیات «ابن رامی» در انتهای ابواب نقل شده، حدس من این است که ابن رامی تدوین کننده رباعی نامه مذکور در اواخر قرن هشتم هجری باشد و در نقل رباعیات خودش در انتهای ابواب و فصول، از جمال خلیل شروانی مؤلف نزهة المجالس الگوبرداری کرده است.<sup>۲</sup> این حدس، نیازمند بررسی بیشتر است.

سفینه رباعیات استانبول در برطرف کردن برخی ابهامات و اغلاط نزهة المجالس، منبعی کارگشاست؛ چه از لحاظ رفع اغلاط کتابتی اسماعیل ابهری و چه بسامان آوردن عناوین شاعران و چه شناسایی رباعیات از قلم افتاده. چیزی که در مقایسه رباعیات مشترک این دو مجموعه مشهود است این است که ابهری کاتب، در موارد بسیار، اسامی شاعران را سر جای خود ننشانده و آنها را بالا و پایین نوشته است. از قلم افتادن برخی از رباعیات متن اصلی، یکی از دلایل سردرگم شدن کاتب و جابه‌جایی اسامی شاعران است که شواهد آن را عرضه خواهیم کرد. بنده اعتقاد دارم که سفینه رباعیات استانبول باید یک بار مستقل از نزهة المجالس بازخوانی و عرضه شود تا بتوان موارد ضعف و برتری آن را بهتر مشخص کرد.

۳۸۰

آینه پژوهش | ۲۰۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. احتمالاً دارد وی همان سلطان العلماء و الوزراء عمادالدین نجاشی باشد که اشعاری از او در سفینه اشعار شماره ۹۰۰ مجلس آمده است (ص ۱۰۶، ۲۱۹).

۲. سفینه کهن رباعیات، رباعی نامه دیگری است که در اواخر قرن هفتم در شمال غرب ایران فراهم آمده است. با وجود اشتراک ۲۱۲ رباعی میان سفینه کهن رباعیات با نزهة المجالس، مؤلف ناشناس این کتاب، منبعی غیر از نزهة المجالس در اختیار داشته است.

واقعیت این است که کتابت نسخه‌ای از سنخ نزهة المجالس با بیش از چهار هزار رباعی و عناوین متعدد شاعران و ابواب، کاری به غایت دشوار است و لغزش‌هایی مثل حذف رباعیات و جابه‌جایی نام‌ها خواه ناخواه در آن اتفاق می‌افتد. از آنجا که نام شاعران در این نسخه با رنگی متفاوت از رنگ متن کتابت شده، تعویض قلم و رنگ، خود عاملی برای بروز چنین خطاهایی بوده است. بالطبع، تصحیح چنین متنی با نداشتن دستنویس اصل مؤلف یا رونوشتی دقیق و مطمئن، کاری دشوار و پیچیده خواهد بود. این نکته را از این جهت آوردم که مخاطب بداند مقاله حاضر در نفی ارزش‌های تصحیح نزهة المجالس نیست و به اهمیت کار سترگ مرحوم دکتر ریاحی خدشه‌ای وارد نمی‌کند. این فقط امکانی است که یافته شدن منابع جدید پیش روی ما قرار داده است. اگر مرحوم ریاحی این منابع را در اختیار داشت، تصحیح مجدد نزهة المجالس را از هر محقق دیگری بهتر انجام می‌داد. یادداشت‌های زیر فاقد ترتیب خاصی است.

۳۸۱

آینه پژوهش | ۲۵۵  
سال ۳۵ | شماره ۱  
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

(۱)

رباعی زیر با عنوان «لغیره» در نمط یازدهم از باب یازدهم نزهة المجالس جای گرفته است (ص ۳۴۲، ش ۱۸۹۱):

ای پرّ مگس برون ز شگرّ کرده      لالایی جا حیات (؟) عنبر کرده  
لعل از حسد لب تو ای آب حیات      در سنگ شکسته، خاک بر سر کرده

در دستنویس نزهة المجالس در مصراع نخست، «برون ز» نیست بلکه «بروز» است و مرحوم ریاحی آن را به نزدیک‌ترین کلمه قابل حدس، تبدیل کرده است. در بخش تصحیحات و نسخه بدل‌ها، به این تغییر اشاره‌ای نشده است. مابقی کلمات، دقیقاً مطابق نسخه است. تا قبل از اینکه به نسخه استانبول دسترسی داشته باشم، حدس می‌زدم کلمه دگرگشته مصراع دوم، حاجبان باشد. در سفینه رباعیات، رباعی به اسم «حمید گنجه‌ای»، و ضبط آن به قرار زیر است (برگ ۱۸):

ای پرّ مگس پرده شگرّ کرده      لالایی حاجبان‌ت عنبر کرده  
لعل از حسد لب تو ای آب حیات      در سنگ نشسته، خاک بر سر کرده

نسخه استانبول سه تغییر دارد: پرده به جای برّوز؛ حاجبانت به جای جاحیات؛ و نشسته به جای شکسته. به نظر من، ضبط صحیح مصراع اول مطابق دستنویس نزهة المجالس، «پَرّوز» است. پروز در فرهنگ‌ها به سه معنی آمده: طراز جامه، سبزه‌تر و نازک، حلقه لشکر. شواهد شعری این واژه، بیشتر مؤید معنای نخست است.<sup>۱</sup> قمری آملی، این کلمه را در ارتباط با خط، در یک رباعی به کار برده است: «چون گرد لب خط تو پروز گردد».<sup>۲</sup> در رباعی حمید گنجه‌ای، می‌توانیم پروز را به معنی طراز و مجازاً به معنی زیب و زینت بگیریم. اما کلمه «پرده» که ضبط سفینه رباعیات است، چنان‌که دوستان فاضلم جناب جلیل طاهری (نژند) و دکتر میلاد عظیمی در یادداشت تلگرامی آورده‌اند، هم در متون آن دوره در کنار «پَرّ مگس» سابقه کاربرد دارد (بر شکر از پَرّ مگس پرده چه سازی<sup>۳</sup>) و هم با کلمات دیگر رباعی مثل حاجب، عنبر و شکر (که نام رایج غلامان بوده) و لالا، ایهام تناسب دارد.

ضبط حاجبانت، نزدیک است به ضبط محرّف نزهة المجالس. در سنگ نشستن و خاک بر سر کردن لعل، تصویر بسیار زیبایی است. زیرا لعل را از دل کوه برون می‌آوردند. «شکسته» بی معنی نیست، ولی نشسته هارمونی و همگونی تصویری بهتری دارد. در نهایت، سفینه رباعیات، مشکل متن نزهة المجالس را برطرف کرده است.

نکته مهم، تفاوت عنوان رباعی در دو نسخه است. در نزهة المجالس نام حمید گنجه‌ای بالایی رباعی بعدی است (شماره ۱۸۹۲). بنابراین، در این موضع جابه‌جایی عناوین در یکی از دو نسخه رخ داده و با توجه به موارد مشابه، ظن غالب آن است که این جابه‌جایی در دستنویس نزهة المجالس صورت گرفته باشد.

## (۲)

در رباعی زیر (نزهة المجالس، ۵۱۶، ش ۳۳۳۰) که سروده شفروه است:

۱. لغت نامه دهخدا، ۴: ۵۵۴۰

۲. دیوان سراج‌الدین قمری آملی، ۵۹۰

۳. دیوان خاقانی شروانی، ۶۷۹

ای کرده به عیش در، سواری با من شرمت ناید که جام داری با من  
دل می دهدت که غم گساری با من جان می کنم و تو می گساری با من  
کاتب مرتکب خطا شده و ردیف «بی من» را در هر چهار مصراع «با من» نوشته است.  
موضوع رباعی، گلایه عاشق از معشوق است که بی او، با دگران عیش می سازد و جام  
شراب می نوشد. «با من» رباعی را دچار تشتت معنایی و سردرگمی می کند و خلاف  
منظور شاعر است. گوینده رباعی به احتمال زیاد، شرف الدین شفروه اصفهانی است.  
از آنجا که در نزهة المجالس سه شاعر با شهرت شفروه آمده (شرف شفروه، عز شفروه و  
ظهیر شفروه)، این شهرت به شاعر آشهر یعنی شرف الدین بر می گردد.

(۳)

در نمط سی و ششم از باب یازدهم نزهة المجالس که به رباعیات سؤال  
و جواب اختصاص دارد، این رباعی به نام نظامی گنجوی نقل شده است  
(ص ۴۳۰، ش ۲۶۳۴):

گفتم: سخنم با تو عیاری بدهاد در عشق تو ایزدم قراری بدهاد  
گفتا که از این دعا غرض چیست ترا گفتم: وصلت، گفت: خدایت بدهاد!  
دکتر ریاحی در بخش «تصحیحات و نسخه بدلها» مرقوم فرموده: «قافیه غلط است  
و تصحیح ممکن نشد» (چاپ اول، ۶۲۳). ایشان در چاپ دوم، مصراع چهارم را  
چنین تغییر داده است: «گفتم وصلت گفت که باری بدهاد» (ص ۴۸۷، ۶۹۶). سعید  
نفیسی رباعی را در دیوان نظامی گنجوی نقل، و مصراع چهارم را چنین درست کرده  
است: «گفتم: وصلت، گفت که: آری بدهاد»<sup>۱</sup>.

رباعی بالا در سفینه رباعیات دو رباعی مجزاست (برگ ۲۹ پ). بنابراین، ابهری  
کاتب، دو رباعی را تبدیل به یک رباعی کرده است. این اشتباه کتابتی در رباعیات  
متحد الشكل اتفاق می افتد:

۱. دیوان قصاید و غزلیات نظامی گنجوی، ۳۵۱

### لغیره

گفتم: سخنم با تو عیاری بدهاد      در عشق تو ایزدم قراری بدهاد  
گفتا همه ساله کار تو عشق بود      بیکاران را خدائی کاری بدهاد!

### امام اثیر گوید

گفتم که خدا کام و هوایت بدهاد      در عشق تو ایزدم قراری بدهاد  
گفتا که از این دعا غرض چیست ترا      گفتم: وصلت، گفت: خدایت بدهاد!

البته کاتب سفینه رباعیات استانبول نیز از لغزش مصون نمانده و مصراع دوم رباعی اول را در رباعی دوم تکرار کرده است. تا اینجا ما دو رباعی مجزاً داریم که هنوز تکلیف یک مصراع آن روشن نیست. خوشبختانه شکل کامل رباعی دوم در سفینه کهن دیگری که در اوایل قرن هشتم کتابت شده، موجود است. عنوان رباعی در آنجا «ایضاً» است، اما به فرد خاصی اشاره ندارد:

گفتم که فلک کام و هوایت بدهاد      ایام دلی طرب فزایت بدهاد  
گفتا که از این دعا غرض چیست ترا      گفتم: وصلت، گفت: خدایت بدهاد!

اگرچه متن کامل دو رباعی به دست آمد، اما مشکل دیگری که وجود دارد، تعیین شاعر این دو رباعی است. نظامی گنجوی را باید شاعر کدام رباعی بدانیم؟ در سفینه رباعیات، نظامی گنجوی سراینده رباعی بعد از این دو «گفتم هوس نرگس شهلالت کنم» (شماره ۲۶۳۵ نزهة المجالس) شمرده شده است. منظور از «امام اثیر» که در سفینه رباعیات آمده، به احتمال زیاد امام اثیرالدین ابهری است. نام اثیر در نزهة المجالس بر رباعی ماقبل آن‌ها آمده است (شماره ۲۶۳۳): «گفتم که دلم گفت مدارا نکنم». در دیوان اثیر اخیسکتی، هیچ کدام از این دو رباعی نیست. اثیر اخیسکتی رباعی دارد که شبیه رباعی دوم است:

۳۸۴

آینه پژوهش | ۲۰۵  
سال ۳۵ | شماره ۱  
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳



یارب دلکی مهرفزایت بدهاد      به زین نظری به من گدایت بدهاد  
شوخی و کشی و دلفریبی و جمال      داری همه جز وفا، خدایت بدهاد!<sup>۱</sup>  
عجالتاً روشن شد که ما با دو رباعی سر و کار داریم و نظامی گنجوی ممکن است  
گوینده یکی از آن‌ها باشد یا طبق سفینه رباعیات، شاعر رباعی بعد از آن‌ها باشد.

(۴)

در باب دهم نزهة المجالس این سه رباعی پشت سر هم آمده (ص ۲۴۱-۲۴۲،  
ش ۱۰۳۵-۱۰۳۷):

مهستی

افتاد ز محنت من آوازه برون      ای خانه مهر تو ز دروازه برون  
ز اندازه برون است ز جور تو غم      فریاد از این غم ز اندازه برون!

ولها

ابری است که خون دیده بارد غم تو      زهری است که تریاک ندارد غم تو  
در هر نفسی، هزار محنت زده را      بی دل کند و ز جان برآرد غم تو

اسمعیل باخرزی

ابری است که جز بلا نبارد غم تو      شاخی است که بار محنت آرد غم تو  
گردون جفایپیشه گردن کش را      از خیره کشی به کس ندارد غم تو  
رباعی دوم و سوم، حال و هوا و قافیه و ردیف مشترک دارد و گویا یکی متأثر از دیگری  
است. تاج‌الدین باخرزی از شعرای نیمه اول قرن ششم و هم عصر مهستی است.  
عوفی یازده فقره از رباعیات او را آورده که یکی از آن‌ها، رباعی دوم است:

ابری است که جز بلا نبارد غم تو      زهری است که تریاک ندارد غم تو  
در هر نفسی، هزار محنت زده را      بی دل کند و ز جان برآرد غم تو<sup>۲</sup>

۱. دیوان اثیرالدین اخسیکتی، ۷۷۲

۲. لباب الالباب، ۳۵۹

علی الظاهر گردآورنده یا کاتب نزهة المجالس، رباعی مهستی و باخرزی را جابه جا نوشته است. از قضا در سفینه رباعیات، وجه درست آن آمده (برگ ۳۱ ر) و نشان می دهد که جابه جایی عناوین، کار ابهری کاتب نزهة المجالس بوده نه شروانی گردآورنده آن:

مهستی راست: افتاد ز محنت من آوازه برون

ولها: ابری است که جز بلا نبارد غم تو

اسماعیل باخرزی: ابری است که خون دیده بارد غم تو

معلوم نیست که جابه جا نوشتن مصراع اول رباعیات مهستی و باخرزی را شروانی گردآورنده نزهة المجالس مرتکب شده یا ابهری کاتب.<sup>۱</sup>

(۵)

در باب یازدهم نزهة المجالس آمده (ص ۴۳۸، ش ۲۶۹۹):

لغیره

بیداری شب جان مرا گرچه بکاست جز بیداری ز روی انصاف خطاست  
ترسم که خیال او شبی رنجه شود عذر قدمش به سالها نتوان خواست

رباعی در خلاصة الأشعار تبریزی به نام «ابوالمعالی نحّاس» است (ص ۸۲، شماره ۳۴۱) و در سفینه رباعیات استانبول به اسم «ابوالمعالی» (برگ ۷۴ پ). به عبارت دیگر، نام شاعر در اصل کتاب شروانی وجود داشته، ولی ابهری کاتب آن را از قلم انداخته است. در مورد گوینده رباعی، یعنی ابوالمعالی نحّاس، دو نکته قابل ذکر است. به نظر گلچین معانی، لقب شاعر در تذکره عرفات العاشقین «نحّاس»

۱. فریتزمایر (مهستی زیبا، ۳۲۰) هر دو رباعی را به اسم مهستی ثبت کرده، چرا که او هر دو منبع را در اختیار داشته و هر دو روایت را معتبر گرفته است.

(برده فروش) آمده، نه «نخّاس» (مسگر). استناد او به عباراتی است که بلیانی در توصیف ابوالمعالی ذکر کرده است: «برق فطرت او گوهر معانی را الماس، دلال فطنت او برده معالی را نخّاس». اما در هر دو چاپ کتاب، شهرت شاعر «نخّاس» ذکر شده است.<sup>۱</sup> از آنجا که روش بلیانی در توصیف شاعران کتاب، بازی با نام و تخلّص و حرفه آن‌هاست، نظر گلچین معانی در خور تأمل است: «کلمات دلال، برده، معالی، نخّاس که به مناسبت نام ابوالمعالی نخّاس به رشته تحریر در آمده، برای خواننده راهنمای خوبی است». <sup>۲</sup> نام کامل ابوالمعالی (به همراه شهرت او) در نزهة المجالس پنج بار ذکر شده که در دو نوبت آن «نخاس» (با یک نقطه)، دو جا بدون نقطه یا نامشخص است، و یک جا با دو نقطه به صورت «ابوالمعالی نخاس» است (دستنویس جاراالله، برگ ۷۵ پ). در دستنویس سفینه رباعیات، فقط یک بار نامش کامل آمده و آنجا هم «ابوالمعالی نخاس» است (برگ ۱۲۲ ر). در خلاصه الاشعار، رباعی از ابوالمعالی ذکر نشده است. قزوینی در حواشی تاریخ جهانگشای، به مناسبت ذکر ابوالمعالی نخاس رازی در متن کتاب، نوشته: «در تخلّص این شاعر نخّاس با حاء مهمله است و در غالب کتب تاریخ و ادب نیز به همین طریقه مسطور است... ولی نادراً با حاء معجمه به طبق نسخه ج نیز دیده شده است». <sup>۳</sup> با این شواهد، احتمال آنکه شهرت ابوالمعالی نخّاس بوده باشد، وجود دارد.

بلیانی، ابوالمعالی نخّاس و ابوالمعالی دهخدای رازی را دو شاعر جداگانه دانسته و برای آن‌ها دو مدخل جداگانه در نظر گرفته و در ضمن شرح حال ابوالمعالی نخاس گفته: «بعضی اشعار ابوالمعالی رازی را نیز به وی سهواً منسوب می‌دارند». <sup>۴</sup> گلچین معانی، ابوالمعالی نخاس را اهل اصفهان و اهل تسنن شمرده و ابوالعالی دهخدای رازی را شیعه و مدّاح اهل بیت نبوت: «اگرچه زمان هر دو یکی است، زبانشان یکی

۱. عرفات العاشقین، تصحیح صاحبکاری، ۹۰: ۱؛ تصحیح ناجی نصرآبادی، ۱۵۳: ۱

۲. تاریخ تذکره‌های فارسی، ۶: ۲

۳. تاریخ جهانگشای، ۲: ۳-۴ (پانوش ۶)

۴. عرفات العاشقین، تصحیح ناجی نصرآبادی، ۱۵۴: ۱

نیست». <sup>۱</sup> دکتر ریاحی ابوالمعالی دهخدای رازی و ابوالمعالی نحاس (نخاس) را یک شاعر دانسته و نظر عباس اقبال را در یکی بودن آنها گواه گرفته است (نزهة المجالس، ۵۶-۵۷).

(۶)

شادروان ریاحی، گوینده رباعی زیر را (نزهة المجالس، ص ۳۳۷، ش ۱۸۵۳):

آن خال فراز چشمت ای حورنژاد همچون دل من سیاه بس طرفه فتاد  
هرگه که بدو درنگرم، گرم شاد گویم که دلم ببرد و بردیده نهاد  
«ابوالعلای (شاپور؟)» خوانده. یعنی در قرائت بخش اول نام یقین داشته و در جزو دوم آن تردید. در دستنویس کتاب (برگ ۷۵ پ) نام شاعر «ابوالمعالی نخاس» و در سفینه رباعیات استانبول (برگ ۱۹ ر) «ابوالمعالی» است.

(۷)

در رباعی زیر (نزهة المجالس، ص ۳۳۷، ش ۱۸۴۷):

اثیر

چون دایره لب تو در هم پیوست بنگرکه چگونه عرصه ای داشت به دست  
کآن نقطه عنبرین به دستور لب در دایره جا نیافت، در گوشه نشست  
مصراع سوم در اصل دستنویس نزهة المجالس (برگ ۷۵ پ) و سفینه رباعیات (برگ ۱۹ ر) چنین ضبط شده است: «کآن نقطه عنبرین که نه نیست نه هست». رباعی سروده اثیرالدین اخسیکتی است و مصراع سوم رباعی در دیوان او نیز با ضبط اصل دستنویس نزهة المجالس، همسان است.<sup>۲</sup>

۱. تاریخ تذکره‌های فارسی، همانجا

۲. دیوان اثیرالدین اخسیکتی، ۷۵۶

(۸)

این رباعی نیز در باب یازدهم نزهة المجالس جای دارد (ص ۲۵۷، ش ۱۱۶۱):

صدر زنگانی

نقّاش رخت ز طعنه‌ها آسوده‌ست      کز صنعت خود هرچه توان بنموده‌ست  
سرتا پایت چنان که باید بوده‌ست      گویی که کسی به آرزو فرموده‌ست

رباعی در دیوان عبدالواسع جبلی دیده می‌شود و در دو متن قرن ششمی نیز بی نام گوینده نقل شده است.<sup>۱</sup> طرفه آنکه در نزهة المجالس نام عبدالواسع جبلی بر رباعی بعدی جای گرفته است. رباعی در خلاصة الاشعار (ص ۵۵، ش ۲۲۰) و سفینه رباعیات (برگ ۲۰۳ ر) به نام عبدالواسع جبلی است. بنابراین، تردیدی نمی‌ماند که ابهری، کاتب نزهة المجالس، نام‌ها را یک پله بالاتر نوشته است. علت بروز این اشتباه هم آن است که وی رباعی را که سروده صدر زنگانی بوده، از قلم انداخته و همین خطا، باعث جابه‌جایی نام‌ها شده است. طبق آنچه در سفینه رباعیات آمده، رباعی زنگانی این است:

صدر زنگانی

دی از رخ تولاله و گل شادی کرد      وز قدّ خوش تو سرو آزادی کرد  
نقّاش تو از حُسن تو، انصاف آن است      هرچ آن بتوان کرد ز استادی، کرد

(۹)

بی دقتی ابهری در کتابت رباعیات، یعنی جا انداختن یک یا چند رباعی از متن و به تبع آن به هم خوردن ترتیب نام گویندگان، در چند موضع دیگر نزهة المجالس نیز اتفاق افتاده است. از جمله در انتهای نمط شانزدهم از باب چهاردهم کتاب، سه رباعی از قلم کاتب افتاده که باعث به هم ریختگی نام شاعران شده است. در جدول

۱. دیوان عبدالواسع جبلی، ۶۶۲؛ لمعة السراج، ۱۶ (کامل)؛ التوسل الی التوسل، ۲۷۷ (فقط بیت دوم)

زیر صورت مقایسه‌ای رباعیات نزهة المجالس (ص ۵۹۲، ش ۳۹۵۶-۳۹۶۰) و سفینه رباعیات (برگ ۲۵۱ پ - ۲۵۲ ر) را آورده‌ایم:

سفینه رباعیات استانبول	نزهة المجالس
<p>علی بن الحسن با خصم تو از بهر تو ای شهر آرای مهر افزایم، اگر شود کین افزای اژ تیغ دو روی گردد از سر تاپای خود را چو گهر در دل او سازم جای</p>	<p>الیاس گنجه‌ای تا گنبد هفت چرخ را ساخته‌اند مردم همه با هم به غرض ساخته‌اند گر راستروی، قول مخالف مشنو زین بی‌سازان که پرده نشناخته‌اند</p>
<p>علی بن الحسن خصم تو اگر باز ندارد ز تو چنگ صد گونه برای تو برآمیزم رنگ بنشینم اگر کار به نام آید و ننگ بر آتش چون کباب و بر تیغ چو زنگ طلحه ز آن پس که دلم ز هجر تو گشت غمین با من نفسی نشست ای ماه زمین ناگفته سخن، هجر تو بگشاد کمین این بود مرا وصل تو، این نیز چنین!</p>	<p>علی خصم تو اگر باز ندارد ز تو چنگ صد گونه برای تو برآمیزم رنگ بنشینم اگر کار به نام آید و ننگ بر آتش چون کباب و بر تیغ چو زنگ</p>
<p>سلیمان سر در سر کار تو بخیلان نکنند جان را به فدای تو ذلیلان نکنند با خصمانت برابر ای جان و جهان بالله بکنم آنچه به گیلان نکنند</p>	

۳۹۰

آینه پژوهش | ۲۰۵  
سال ۳۵ | شماره ۱  
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

لغیره	ابوالحسن
هرگه که دلم کند به دلدار آهنگ	هرگه که دلم کند به صحرا آهنگ
تا بزدايد از این دل شیدا زنگ	تا بزدايد از این دل شیدا زنگ
ناگه ز قضا این فلک آینه رنگ	ناگه ز قضا این فلک آینه رنگ
زان روسپی فرو تراشد از سنگ	زن روسپی فرو تراشد از سنگ
رضی نیشابوری	عبدالرحمن
دستم همه از زلف تو کوتاه یابند	دستم همه از زلف تو کوتاه یابند
وز حال شب درازم آگه یابند	وز حال شب درازم آگه یابند
با بنده خود چرا چنین باید زیست؟	با بنده خود چرا چنین باید زیست؟
تا بدگویان میان ما ره یابند	تا بدگویان میان ما ره یابند
لغیره	آخر
جانا! چو به خدمتت مرا سوزی هست	جانا! چو به خدمتت مرا سوزی هست
در هر طرفی تو را بدآموزی هست	در هر طرفی تو را بدآموزی هست
دست من و دامن بدآموزانت	دست من و دامن بدآموزانت
آخر پس از این روز، دگر روزی هست!	آخر پس از این روز، دگر روزی هست!

۳۹۱

آینه پژوهش | ۲۵۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

ابهری، دو رباعی مهم از دو شاعر قدیمی، یعنی علی بن حسن باخرزی و ابوالحسن طلحه مروزی را حذف کرده است. حذف رباعیات ایشان، ترتیب گویندگان را به هم زده است؛ به طوری که کاتب مجبور شده نام ابوالحسن طلحه را به جای رباعی محذوف، بر رباعی دیگری بگذارد. کتابت رباعی اول نزهة المجالس که برابر با رباعی دوم سفینه رباعیات است، با دو خطای آشکار در مصراع اول و چهارم همراه است. خطای اول (ساخته اند) موجب تکرار قافیه شده و خطای دوم (نی سازان) لطافت رباعی را گرفته است. بی سازان به معنی انسان های ناهموار و ناموزون است. رباعی چهارم نزهة المجالس به نام عبدالرحمن است. معلوم نیست چنین شاعری وجود داشته، یا ساخته ذهن کاتب است. در سفینه رباعیات، نام شاعر رضی نیشابوری قید شده که درستش همین است. چرا که رباعی در دیوان این شاعر موجود است.<sup>۱</sup>

۱. دیوان رضی الدین نیشابوری، دستنویس نصیری امینی، ۹۰ پ

(۱۰)

گوینده رباعی زیر (نزهة المجالس، ص ۳۵۴، ش ۲۰۰۰):

حاجی شهاب گنجه‌ای

آن بت که اگر طلب کند جان، بدهم      دی گفت: چت آرزوست تا آن بدهم  
گفتم که دو بوسه از دو جامی خواهم      گفت از بُن گوش، از بُن دندان بدهم

در اصل دستنویس نزهة المجالس (برگ ۷۸ پ) «حاجی جمال گنجه‌ای» است نه حاجی شهاب. در سفینه رباعیات (برگ ۵ پ) نیز نام شاعر «جمال گنجه» است. بالطبع، رباعی بعد هم که عنوانش «وله» است، از جمال گنجه‌ای است.

(۱۱)

رباعی زیر در نمط ششم از باب چهاردهم نزهة المجالس به نام «یمین اصفهانی» آمده است (ص ۵۶۳، ش ۳۷۲۴):

هم گردد بخت خفته بیدار آخر      هم شاخ امید آورد بار آخر  
هم با سر دوستی شود یار آخر      جاوید چنین نماند این کار آخر

گوینده واقعی رباعی، ابوالحسن طلحه است که نامش بر رباعی بعدی آمده است. پشتوانه ما در این نظر دو منبع است: نخست، سفینه رباعیات استانبول که نام شاعران را در این بخش، در جای خود قرار داده و طلحه را صاحب رباعی معرفی کرده (برگ ۱۲۲ ر) و دیگر، رسائل العشاق سیفی نیشابوری که در آنجا به نام «ابن طلحه» است.<sup>۱</sup> در این نمط نزهة المجالس، کاتب شش رباعی را از قلم انداخته، نام برخی از شاعران را جابه‌جا نوشته، و نام تعدادی دیگر را فروهشته و باعث بی‌سر و سامانی عجیبی شده است. از اشعار محذوف، این رباعی یمین اصفهانی است (سفینه رباعیات، ۱۲۲ ر):

۱. رسائل العشاق و وسائل المشتاق، ۱۲۰، ۱۲۲. به دلیل جابه‌جایی اوراق دستنویس، در چاپ عکسی میان نام شاعر و رباعی او یک ورق فاصل افتاده است.



ای دل! می غم خمارها داند کرد واندیشه ز خود [هزارها]<sup>۲</sup> داند کرد  
نومید اگرچه هستی<sup>۱</sup>، امید مبر کین گشت زمانه کارها داند کرد  
لاجرم، کاتب نام او را بر رباعی ابوالحسن طلحه گذاشته است. در این نمط، یکی از  
شاعرانی که نامش در نزهة المجالس حذف شده (ص ۵۶۴، ش ۳۷۳۳)، ولی  
رباعی اش موجود است، رضی نیشابوری است (سفینه رباعیات، ۱۲۱ پ):

گر بر سر من ز چرخ آتش بارد ممکن نبود که دل تو را بگذارد  
آخر روزی گذر کند بر دل تو کآن سوخته دل به ما امیدی دارد  
نقل رباعی در منتخب اشعار رضی الدین نیشابوری در یک مجموعه خطی، مهر  
صحت بر ضبط سفینه رباعیات می گذارد.<sup>۳</sup>

همچنین در سفینه رباعیات نام علی بن حسن باخرزی بر صدر رباعی شماره ۳۷۲۹  
نزهة المجالس است (هر چند ز هجر دوست هستم به عذاب) که با شیوه  
سخنسرایی او و طرز قافیه بندی در رباعیاتش سازگاری بیشتری دارد. در عصر او،  
شاعران خراسان رباعی را چهارقافیه ای می سرودند.

۳۹۳

آینه پژوهش | ۲۵۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

(۱۲)

یکی از موارد جابه جایی نام شاعران در نزهة المجالس بخش هایی از باب هشتم  
کتاب است که از رباعی ۷۴۶ شروع می شود و تا رباعی ۷۶۶ امتداد می یابد. از  
مطابقت این رباعیات با سفینه رباعیات استانبول مشخص می شود که کاتب نام  
شاعران را یک پله بالاتر گذاشته است. ذکر همه موارد از حوصله این نوشتار خارج

۱. در اصل: خمارها (تکرار قافیه). وجوه دیگر نیز محتمل است.

۲. در اصل: هست.

۳. مجموعه دواوین و اشعار، ۱۱۴. رباعی به اشتباه در دیوان امامی هروی نیز آمده (ص ۲۲۰). امامی  
هروی هنگام تألیف نزهة المجالس در سنین جوانی بوده و جمال خلیل شروانی به اشعار او دسترسی  
نداشته است. غیر از رباعی متن، ۳۴ فقره دیگر از رباعیات رضی نیشابوری به اشتباه در دیوان امامی  
وارد شده که من کیفیت آن را در مقاله ای توضیح داده ام: رک. «رباعیات رضی نیشابوری در دیوان  
امامی هروی».

است و ما فقط دو مورد آن را که تأییدیه‌ای از سایر منابع دارد، ذکر می‌کنیم. رباعی زیر در نزهة المجالس به نام مجیر بیلقانی است (ص ۲۰۷، ش ۷۵۴):

چون است که عشق از دل و تن خیزد زو بردل و تن هزار شیون خیزد  
 آری، بخورد زنگ همی آهن را هر چند که زنگ هم از آهن خیزد  
 همان طور که دکتر ریاحی در پانوشت صفحه متذکر شده، دیوان مجیر این رباعی را ندارد و در دیوان ابوالفرج رونی آمده است.<sup>۱</sup> کاتب، نام ابوالفرج رونی را بر رباعی پیشین گذاشته است. در سفینه رباعیات هم به نام «ابوالفرج» است (برگ ۲۳۰ پ).

رباعی زیر در نزهة المجالس (ص ۲۰۸، ش ۷۶۲) به نام «سید مرتضی» است:

کار از لب خشک و دیده تر بگذشت تیر غم را ز جان و دل پر بگذشت  
 آبیم نمود بس تئک آتش عشق چون پای در او نهادم، از سر بگذشت  
 در سفینه رباعیات (برگ ۲۳۱ ر) به نام «مبارکشاه» ثبت شده که نامش بر رباعی قبلی است. ابوالمجد تبریزی نیز رباعی را به اسم «ملک فخرالدین مبارکشاه» آورده است (خلاصة الاشعار، ۲۰، ش ۷۲). به همین قیاس و سیاق، نام شاعران در رباعیات دیگر هم عوض شده است. دکتر ریاحی، مصراع دوم رباعی را چنین تغییر داده: «تیر غم او ز جان و دل بر بگذشت» و در بخش تصحیحات به آن اشاره‌ای نکرده است. این ضبط، در هیچ کدام از سه منبع ما (دستنویس نزهة المجالس، سفینه رباعیات و خلاصة الاشعار) وجود ندارد.<sup>۲</sup>

(۱۳)

در نمط سیزدهم از باب چهاردهم نزهة المجالس (ص ۵۷۸-۵۸۱، ش ۳۸۴۴-۳۸۷۶)، دو رباعی، از چشم کاتب افتاده و نام شاعران مربوط به آن‌ها، به رباعیات دیگر منتقل شده است. یکی از آن‌ها، این است (سفینه رباعیات، ۱۹۱ پ):

۱. دیوان ابوالفرج رونی، ۱۶۲

۲. رباعی به مهستی گنجوی منسوب است، ولی این انتساب در منابع متأخر صورت گرفته است (رک. عرفات العاشقین، چاپ ناجی، ۵: ۳۴۶۱). بدون ذکر نام در تحفة الملوک هم آمده است (ص ۴۱).

## لغیره

مه بود مرا مونس و اکنون مهتاب می بود مرا در قدح، اکنون خوناب  
در خواب، خیال دوست دیدم یک شب آن خواب همی خریم یک شب در خواب  
دومین رباعی از قلم افتاده، عبارت است از (سفینه رباعیات، ۱۹۲ر):

وله (= شمس سجاسی)

چشمت<sup>۱</sup> چو بر ابرو فکند تاب به خشم بیرون آرد ز چشم من آب به خشم  
در حسرت آن دو چشم خواب آلودت چشمیست مرا همیشه با خواب به خشم  
با در نظر گرفتن این دو رباعی، عناوین رباعیات شماره ۳۸۵۴ تا ۳۸۶۷ نزهة المجالس  
را می توان بدین گونه اصلاح کرد:

شهاب ساوه‌ای	در خون جگر همی نشیند چشم <sup>۲</sup>
[لغیره]	مه بود مرا مونس و اکنون مهتاب]
آخر	از بس که دلم دیده عذاب از دیده
شمس سجاسی	ای خواب چرا به رفتن آمد رایت
وله	من دانم و شب که حال چشمم چون است
[وله]	چشمت چو بر ابرو فکند تاب به خشم]
حسن طلحه	تا کی ز فراق دیده پُر خون بینم
سید اشرف	از کبر همیشه در نقابت بینم
شهاب کاغذی	تا از برم آن یار پسندیده برفت
کمال اسماعیل	امشب ز غمت میان خون خواهم خفت <sup>۳</sup>

۱. در اصل: خشمت. به قرینه لفظی و معنوی اصلاح شد.

۲. ابوالمجد تبریزی نیز رباعی را به اسم «شهاب‌الدین ساوه» آورده است (خلاصة الأشعار، ۵۲، ش ۲۱۱).

۳. در نزهة المجالس به نام «اشرف» است. در حالی که جزو رباعیات مشهور کمال است و در دیوان او هم به اعتبار چندین نسخه معتبر کهن چاپ شده است (دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، ۲۸۷). در خلاصة الأشعار ابوالمجد تبریزی (ص ۵۲، ش ۲۱۰) نیز به اسم «کمال‌الدین اسماعیل» است.

هر شب ز تو جفت شیونم تا به سحر <sup>۱</sup>	لقایله
من دوش گشاده داشتم روزن چشم <sup>۲</sup>	وله
آب رخم آن دو چشم بی آب ببرد	شروانی
ای بُرده بدان دو چشم بی آب، آبم	وله
گل زرد شد از چهره مهتابی من	یمین اصفهانی
با دیده بگفتم که چنین بی خوابی	خلیل شروانی

ابهری، کاتب نزهة المجالس، چهار رباعی پایانی را با عنوان «آخر» ذکر کرده، در حالی که گویندگان این رباعیات در اصل دستنویس کتاب مشخص بوده است.

#### (۱۴)

رباعی زیر در باب اول نزهة المجالس (ص ۱۱۶، ش ۷۹) با عنوان «الادری» درج شده است:

غافل منشین که همنشینان رفتند      ره نیک بین که راه بینان رفتند  
 قومی که قرینان موافق بودند      آن قوم گذشت و آن قرینان رفتند

در سفینه رباعیات (برگ ۱۰۹) و خلاصة الأشعار (ص ۱۰، ش ۲۴) نام گوینده رباعی، «ادیب حمّامی» ذکر شده است. نام این شاعر در فهرست شاعران نزهة المجالس نیست و این رباعی، تنها رباعی اوست که در کتاب آمده است. وی باید ادیب ابوعبدالله محمد بن احمد حمّامی اصفهانی معروف به مصلح باشد که ادیب و محدّثی مشهور بود و شب سه شنبه یازدهم ربیع الآخر سال ۵۹۰ هجری قمری در سن نود سالگی در اصفهان از دنیا رفت. زادگاه او جورتان (گورتان) است که از محلات قدیمی اصفهان محسوب می شود. وی در خلال سفر حج، به سال ۵۶۹ وارد بغداد شد و مدتی در آنجا اقامت کرد و با علمای آنجا معاشرت داشت. سپس به اصفهان برگشت. به نوشته صفدی، اکثر ادبای

۱. دیوان کمال الدین اسماعیل اصفهانی، ۲۸۸

۲. همانجا، ۲۷۵

اصفهان، از شاگردان او بوده‌اند.<sup>۱</sup> از ادیب حَمّامی شعری به فارسی ندیده‌ام و نام او در هیچ تذکره‌ای ذکر نشده است. اگر این رباعی از او باشد، بسیار مغتنم است.

در سفینه رباعیات، در بیت دوم یک اختلاف جزئی به چشم می‌خورد: قرنی که... آن قرن گذشت. در خلاصه‌الاشعار متن مطابق نزهة المجالس است، اما بعداً کاتب یا کسی دیگر، کلمه قرنی و قرن را زیر مصراع سوم و چهارم افزوده است. «قرن» از جهت هم حرفی با «قرینان»، ضبط قابل توجهی است.

### (۱۵)

یکی از موارد آشفته‌گی متن و افتادگی رباعیات، نمط چهاردهم از باب چهاردهم نزهة المجالس در موضوع گریه و اشک است (ص ۵۸۱-۵۸۸، ش ۳۸۶۸-۳۹۲۵). از مقایسه این بخش با سفینه رباعیات (برگ ۱۹۲ پ - ۱۹۸ پ؛ ۲۴۷ ر - ۲۴۸ پ) متوجه می‌شویم که جابه‌جایی‌های زیادی در عناوین رباعیات و نام شاعران اتفاق افتاده است.<sup>۲</sup> ذکر تک تک این موارد، از حوصله این مقاله خارج است. ولی به چند مورد شاخص آن اشاره می‌کنم. شش رباعی آخر این نمط در نزهة المجالس همگی به اسم کمال اسماعیل است. هیچ کدام از این شش رباعی در دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی ثبت نشده است. مطابق سفینه رباعیات (برگ ۲۴۸ پ) نام گویندگان این شش رباعی به قرار زیر است:

شمس سجاسی	اشکی که ز روی یار گلگون باشد
سید اشرف	غم در جگر کباب تاب افکنده است
سجاسی	زان غم که نظر به کار من کم داری
شهریار زوزنی	دل در غمت از میان جان می‌بندم

۱. الوافی بالوفیات، الجزء الثانی، ۷۷-۷۸؛ ذیل تاریخ مدینة السلام، المجلد الاول، ۲۰۲-۲۰۴

۲. در سفینه رباعیات به دلیل افتادگی و به هم ریختگی اوراق دستنویس و شیرازه‌بندی نادرست آن، رباعیات این نمط در دو موضع دستنویس فعلی قرار گرفته، ولی علی‌الظاهر متن ناقص نشده است.

مبارکشاه  
عماد شروانی

دل خاتم درد را نگین خواهد بود  
سودای توام باز به سر می آید

در همین بخش پایانی، دو رباعی از قلم ابهری کاتب نزهة المجالس افتاده (بعد از رباعی شماره ۳۹۱۸) که یکی از دلایل آشفتگی متن می تواند باشد (سفینه رباعیات، ۲۴۸ ر - ۲۴۸ پ):

شمس هروی

در کار قضاگر قدری ساختمی  
ور زاده چشم من بماندی برجای

من سوخته از خویش سری ساختمی  
از لعل فلک را کمری ساختمی

علاءالدین راست

آن ها که به تحفه جان و دل دادمشان  
هر ساغرمی که ساقیان می دادند

ناگاه شبی به خدمت افتادمشان  
پُر خون دو دیده باز می دادمشان<sup>۱</sup>

در همین بخش، رباعی زیر به نام جمال ثبت شده (نزهة المجالس، ص ۵۸۶، ش ۳۹۱۴):

بس غم که من از دل ستم دیده کشم  
هر لحظه هزار اشک چون مروارید

بس جور که از یار پسندیده کشم  
در حلقه گوش مردم دیده کشم

اما در خلاصة الاشعار ابوالمجد تبریزی (ص ۴۳، ش ۱۷۵) و سفینه رباعیات (برگ ۲۴۷ پ) به نام «عایشه سمرقندیه» است.

باز در همین نمط (نزهة المجالس، ص ۵۸۴، ش ۳۸۸۹)، رباعی زیر با عنوان «آخر» نقل شده است:

ای باد صبا گرت بیفتد گذری  
گو ساز سفینه کن که ناگه برسد

از من بر آن سرو سهی بر خبری  
طوفان دو چشم من، شبی یا سحری

در سفینه رباعیات (برگ ۱۹۷ پ) به نام «عزیز کحال» است و در خلاصة الاشعار

۱. در اصل چنین است و تکرار قافیه دارد.

(ص ۴۸، ش ۱۹۴) به نام «عزالدین کحال». در سفینه رباعیات بعد از رباعی فوق، دو رباعی موجود است که در نزهة المجالس نیست:

اشهری

ای نام دل من از تو غمناک جهان هر کوبه تو دل سپرد، ناباک جهان  
گر خاک جهان نیستی از اشکم گل بر سر کنمی زدست تو خاک جهان

حاجی شروانی

عشق تو مرا چو در جگر می آید از دیده مرا آب به در می آید  
شک نیست که آن آب کند خانه تن کین آب مرا ز خانه بر می آید

بعد از رباعیات فوق، چهار رباعی در سفینه رباعیات آمده که در نزهة المجالس به جای نام گوینده رباعیات، کلمه «آخر» جای گرفته است. در سفینه رباعیات نام شعرای از قلم افتاده چنین است:

بختیار فرماید در راه غمت گرچه به جان می آیم

وله

ز آن غمزه کافرت که خون می ریزد

کاری که به مرد و زن فرو می آید

این اشک عقیق رنگ من چون بچکد

اسحق گنجه ای

مهستی

(۱۶)

رباعی زیر در نزهة المجالس (ص ۱۷۸، ش ۵۲۴) با عنوان «عزالدین...» درج شده است:

جانا به سوی باغ گرفتد رایت سنبل به سر زلف بروید جایت  
بر دست گرفته گل ز اطلس تختی تا در چمن آیی، فکند در پایت

شادروان ریاحی نسبت این شاعر را نتوانسته بخواند و در مقدمه کتاب به همین گونه از شاعر یاد کرده و نوشته: «کلمه دوم نام شاعر در عکس خوانده نمی شود. نفیسی عزالدین شهری خوانده» (ص ۸۳). کلمه شهری نزدیک ترین وجه به آن چیزی است که

در دستنویس نزهة المجالس (برگ ۵۰ پ) دیده می‌شود. در سفینه رباعیات، نام شاعر «عزالدین همدانی» است (برگ ۱۷۲ ر)، اما اسم شاعر بر صدر رباعی قبلی است: «در موسم گل شراب دلکش درکش» که در نزهة المجالس با عنوان «لاادری» آمده (شماره ۵۲۳). به نظر می‌رسد ترتیب سفینه رباعیات معتبرتر باشد. حمد مستوفی قزوینی در بخش شعرای عجم از شاعری به نام عزالدین همدانی نام بُرده: «معاصر... اشعار پهلوی خوب دارد».<sup>۱</sup> اگر منظور همین فرد باشد، کلمه «شهری» را نیز می‌توان به گونه‌ای تعبیر کرد که با فهلوی‌گویی او سازگار افتد. چرا که یک معنی اصطلاح «شهری»، زبانی است که مردم مناطق فهله (از جمله همدان) بدان سخن می‌گفتند و ترانه می‌سرودند (همان فهلوی).<sup>۲</sup> بنابراین، شاید نام کامل این شاعر، عزالدین شهری همدانی باشد. با توجه به درج رباعی عزالدین همدانی در نزهة المجالس، وی در نیمه اول قرن هفتم یا پیش از آن می‌زیسته است.

۱. تاریخ‌گزیده، ۷۳۹. کلمه «معاصر» به تنهایی، مفهومی این است که این عزالدین همدانی، در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم می‌زیسته و با شاعر مورد نظر ما، انطباق زمانی ندارد. ولی به نظر من، بعد از معاصر کلمه یا کلماتی بوده که کتابت نشده است. این سخن از آنجاست که در اغلب دستنویس‌های تاریخ‌گزیده، در بخش شاعران عجم، برخی از کلمات متن نانویس مانده و جای آن خالی گذاشته شده است. چنان‌که در سرگذشت اثیرالدین اخیسکتی (ص ۷۱۵) و مجیر بیلقانی (ص ۷۴۹) نیز کلمه معاصر به تنهایی آمده، در حالی که این دو شاعر از شعرای قرن ششم هجری هستند. روش حمد مستوفی در ذکر کلمه معاصر در شرح حال شعرا، اضافه کردن آن به شخص دیگری (معمولاً شاهان یا شاعران دیگر) است تا حدود زندگی شاعر مورد نظر مشخص شود: «ازرقی، معاصر سلطان ابراهیم غزنوی بود» (ص ۷۱۴)، «نظامی عروضی، معاصر نظامی گنجه‌ای بود» (ص ۷۵۳)، «نجم الدین زرکوب، معاصر ابقاخان بود» (ص ۷۵۲). در شرح حال شمس طبسی می‌خوانیم: «دو بودند. یکی معاصر بود... و دیگری در حیات است» (ص ۷۳۷). شمس طبسی اول، در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم می‌زیست و قاعدتاً بعد از کلمه معاصر، عبارتی که عصر حیات او را تعیین می‌کرده، از قلم افتاده است.

۲. در مورد معنای کهن اصطلاح شهری، رک. «ملاحظاتی درباره زبان کهن آذربایجان»، محمد امین



## (۱۷)

شادروان ریاحی نام شاعر رباعی شماره ۱۶۲۸ نزهة المجالس (ص ۳۱۱) را مظفر معروف (تبریزی؟) ذکر کرده و در مقدمه کتاب حدس زده که مظفر معروف، همان مظفر تبریزی باشد (ص ۹۶). در مورد این شاعر اطلاعاتی در کتاب درج نشده است. نخست باید دانست که نام شاعر در اصل دستنویس نزهة المجالس (برگ ۷۱ پ) مظفر تبریزی است، نه مظفر معروف. «معروف»، حاصل بدخوانی کلمه «تبریزی» به دلیل کیفیت نسخه عکسی بوده است. در سفینه رباعیات نیز مظفر تبریزی است (برگ ۱۰۱ ر). دکتر پورجوادی حدس زده که وی همان ملک مظفر تبریزی جد ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی گردآورنده سفینه تبریز باشد.<sup>۱</sup> احتمال آن قدری ضعیف است. اگر چنین می بود، ابوالمجد تبریزی حتماً رباعیات جدش را در خلاصة الاشعار می گنجاند.

نام شاعر در رباعی ماقبل از آن (شماره ۱۶۲۷) نیز ناقص نقل شده است: عبدالله. به نوشته دکتر ریاحی، «جزء دوم در نسخه عکسی درست خوانده نمی شود. نفیسی عبدالله قسری خوانده، و دانش پژوه عبدالله قمری نقل کرده. در هر صورت شناخته نشد» (ص ۸۳). در سفینه رباعیات، نام این شاعر «عبدالله قشیری» است. در اصل دستنویس نزهة المجالس (برگ ۷۱ پ) شهرت این شاعر، نزدیک است به قشیری، اما قیری هم خوانده می شود. قرائت سعید نفیسی به آنچه در سفینه رباعیات آمده، نزدیک است. مشهورترین فردی که به اسم عبدالله قشیری می شناسیم، ابوسعد عبدالله فرزند ابوالقاسم عبدالکریم قشیری (د. ۴۶۵ ق) صوفی مشهور و نویسنده کتاب رساله قشیرییه است. به نوشته فروزانفر، ابوسعد قشیری در علوم عربیت و تفسیر و کلام قوی دست و چیره زبان بود و در ۴۷۷ ق درگذشت.<sup>۲</sup> بسیار بعید است منظور مؤلف نزهة المجالس همین فرد باشد. زیرا رباعیات عبدالله قشیری مذکور به سخن شاعران قرن پنجم خراسان هیچ شباهتی ندارد.

۱. اشراق و عرفان، ۲۱۴.

۲. ترجمه رساله قشیرییه، مقدمه، ۵۲.

این نکته را بیفزاییم که در سفینه رباعیات، دو فقره از رباعیاتی که در نزهة المجالس یا عنوان «لغیره» ثبت شده، به اسم «عبدالله» آمده که به احتمال زیاد منظور همین عبدالله قشیری است. این دو رباعی عبارتند از:

– با دیده دلم گفت خرابت دارم (نزهة المجالس، ۴۶۳؛ سفینه رباعیات، ۴۸ ر)

– در عشق تو گرچه هست ناکامی‌ها (نزهة المجالس، ۴۷۰؛ سفینه رباعیات، ۵۱ ر)<sup>۱</sup>

غیر از آنچه آمد، یادداشت‌های دیگری نیز فراهم شده است که از بیم تطویل سخن، درج آن‌ها را به فرصتی دیگر موکول می‌کنم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۴۰۲

آینه پژوهش | ۲۰۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. رباعی دوم در خلاصه‌الاشعار نیز به نام عبدالله است (ص ۳۹، ش ۱۵۶).

## منابع

### الف) کتاب‌های خطی و چاپی

- اشراق و عرفان، مقاله‌ها و نقدها، نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰.
- التوسل الی التوسل، بهاء‌الدین محمد بن مؤید بغدادی، تصحیح و تحشیه احمد بهمنیار، تهران، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۱۵.
- الوافی بالوفیات، صلاح‌الدین خلیل بن ایبک الصفدی، تحقیق و إعتناء احمد الأرنأووط، تزکی مصطفی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، ۲۹ ج.
- تاریخ تذکره‌های فارسی، احمد گلچین معانی، تهران، کتابخانه سنایی، چاپ دوم: ۱۳۶۳.
- تاریخ جهانگشای، عظاملك جوینی، به اهتمام محمد قزوینی، لیدن، مطبعه بریل، ۱۹۱۱-۱۹۳۷ م، ۳ ج.
- تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم: ۱۳۶۲.
- تحفة الملوك، علی بن ابی حفص بن فقیه محمود اصفهانی، تصحیح علی اکبر احمدی دارانی، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲.
- ترجمه رساله قشیریه، با تصحیحات و استدراکات بدیع الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم: ۱۳۷۴.
- جنگ رباعی، پژوهش و ویرایش سید علی میرافضلی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۴.
- خلاصة الاشعار فی الرباعیات، گردآورده ابوالمجد محمد بن مسعود بن مظفر تبریزی، تصحیح و تحقیق سید محمد عمادی حائری، تهران، انتشارات هرمس، ۱۴۰۱.
- دیوان ابوالفرج رونی، به اهتمام محمود مهدوی دامغانی، مشهد، کتابفروشی باستان، ۱۳۴۷.
- دیوان اثیرالدین اخسیکتی، تصحیح محمود براتی خوانساری، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۸.
- دیوان امامی هروی، به کوشش عصمت خوئینی، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۹۴.
- دیوان خاقانی شروانی، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران، انتشارات زوار، چاپ چهارم: ۱۳۷۳.
- دیوان رضی‌الدین نیشابوری، دستنویس شماره ۸۴ کتابخانه شخصی نصیری امینی، فیلم شماره ۱۱۷۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، بدون تاریخ، نستعلیق سده ۱۱ق، ۹۸ برگ.

- دیوان سراج‌الدین قمری آملی، به اهتمام یدالله شکری، تهران، انتشارات معین، ۱۳۶۸.
- دیوان عبدالواسع جبلی، به اهتمام و تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم: ۱۳۷۸.
- دیوان قصاید و غزلیات نظامی گنجوی، به کوشش سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۹.
- دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، تصحیح و تحقیق محمدرضا ضیاء، تهران، بنیاد موقوفات افشار، چاپ دوم: ۱۴۰۲.
- ذیل تاریخ مدینة السلام، للحافظ ابی عبدالله محمد بن سعید ابن‌الدیبی، حقه و ضبط نضّه: بشار عوّاد معروف، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۷ق، ۶ ج.
- رسائل العشاق و وسائل المشتاق، علی بن احمد سیفی نیشابوری، چاپ عکسی به کوشش جواد بشری، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۹۹.
- سفینه کهن رباعیات، تصحیح و تحقیق ارحام مرادی و محمد افشین وفاپی، تهران، نشر سخن، ۱۳۹۵.
- عرفات العاشقین و عرصات العارفين، تقی‌الدین اوحدی بلیانی، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۸، ۷ ج.
- \_\_\_\_\_، تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخراحمد، با نظارت علمی محمد قهرمان، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۹، ۸ ج.
- سفینه اشعار، دستنویس شماره ۹۰۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، بدون رقم کاتب، سده هشتم ق، ۲۷۹ برگ.
- لباب الالباب، محمد عوفی، به کوشش سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی علمی، ۱۳۳۵.
- لمعة السراج لحضرة التاج (بختیارنامه)، به کوشش محمد روشن، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
- لغت‌نامه، علی‌اکبر دهخدا، تهران، مؤسسه دهخدا، دوره جدید، چاپ دوم: ۱۳۷۷، ۱۵ ج.
- مجموعه دواوین و اشعار، دستنویس شماره ۲۵۸۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کاتب محمد صالح گلشنی، ششم شعبان سال ۱۰۱۵ق، ۱۵۰ برگ.
- مهستی زیبا، تألیف فریتز مایر، ویسبادن، ۱۹۶۳ م.

نزهة المجالس، جمال خلیل شروانی، تصحیح و تحقیق محمدامین ریاحی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۶ (چاپ نخست)، انتشارات علمی، ۱۳۷۵ (چاپ دوم با تجدید نظر نهایی).

\_\_\_\_\_، دستنویس شماره ۱۶۶۷ کتابخانه علی امیر جاراالله (استانبول)، کتابت اسماعیل بن اسفندیار ابهری در ۲۵ شوال ۷۳۱ق.

### ب) مقالات

«بررسی نزهة المجالس»، سیدعلی میرافضلی، معارف، دوره چهاردهم، شماره اول، فروردین-تیر ۱۳۷۶، ص ۹۰-۱۴۷ (بخش اول).

«رباعیات رضی الدین نیشابوری در دیوان امامی هروی»، سیدعلی میرافضلی، گزارش میراث، دوره سوم، سال اول، شماره یکم و دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۷۲-۷۵.

«ملاحظات درباره زبان کهن آذربایجان»، محمدامین ریاحی، نامواره دکتر محمود افشار، جلد چهارم، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۶۷، ص ۱۹۱۰-۱۹۴۲.